

۶. رازدان باید در حفظ راز بکوشد و آن را افشا نکند، مگر آن‌که:
- صاحب راز (فamil و خویشاوند) رضایت داشته باشد؛
 - مصلحت خانوادگی حکم کند (مانند نمونه بالا)؛
 - به حکم قانون انجام شود؛
 - ماهیت راز به‌گونه‌ای باشد که افشاری آن برای افراد ضروری باشد، مانند بیان خصوصیات دختر یا پسر فamil در بحث ازدواج در مقام مشاوره.

۱-۳. تحقیر خویشان ممنوع

ارزش ذاتی هر انسانی راه را برای تحقیر وی می‌بندد. اقتضای اصل احترام، ممنوعیت تحقیر دیگران است. این ممنوعیت در روابط نسبی و سببی دوچندان می‌شود. سکونت در منطقه بالای شهر، تفاوت سطح زندگی مادی و سطح سواد شما یا نقص عضو و دیگر مشکلات اقوام و خویشان نباید بهانه‌ای برای تحقیر آن‌ها شود. قرآن کریم در توصیه‌ای صریح، تمسخر و تحقیر دیگران را مصدق ظلم معرفی می‌کند: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوْهُ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنْ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُّتُهُ وَلَا تَنابِزُوا بِالْأَلْقَابِ إِنَّ السُّوقَ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتَبَّعْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونُ»**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند، و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند. و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند، یکدیگر را یاد نکنید. بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان، نام کفرآمیز بگذارید و آن‌ها که توبه نکنند ظالم و ستمگرند.» به دو نکتهٔ طریف هم توجه کنید:

۱. در نگرش قرآنی، حق تحقیر هیچ‌کس را نداریم، حتی اگر گناهکار باشد. ممکن است همان لحظه‌ای که تحقیرش کرده‌ایم، توبه کرده باشد.
۲. انجار از رفتار بد آری، ولی تحقیر شخصیت فرد هرگز.

۱-۴. خطای اهل فamil را نادیده بگیرید

تغافل سازوکاری رفتاری برای کاهش تنیش در روابط خانوادگی است. فرض کنید شب

جمعه‌ای در منزل دایی خود، در دوره‌می فامیلی، سخن از دایی کوچک می‌شود. اختلاف مالی مربوط به ارث میان دایی بزرگ و دایی کوچک موجب می‌شود تنشی بین آن‌ها پیش آید و دایی کوچک از کوره دربرود و حرف‌های تندری بزند. در عین حال، همه می‌دانند که وی ماه سختی را پشت‌سر گذاشته و چندین مشکل پیاپی و باهم او را زیر منگنه گذاشته است. این شب می‌گذرد. طبق برنامه، مهمانی هفته‌آینده در خانه دایی کوچک شماست. نادیده گرفتن این خطاب تحت تأثیر وضعیت نامناسب روحی وی هم بوده، ممکن است باعث گذشت شود و دوباره همه را دور هم جمع کند، والا نقطه شروعی خواهد شد بر تیرگی روابط و دور شدن آدم‌ها از یکدیگر.

۱. چشم‌پوشی از خطاهنر انسان‌های بزرگ و دریادل است.
۲. کینه‌هارا کنار بگذارید و از خطای دیگران چشم پیوشهید تا خدا هم از خطاهای شما چشم پیوشد.
۳. معصومین علیهم السلام به رغم دانستن خطای دیگران، با آن‌ها ارتباط داشتند و هرگز آبروی دیگران را نمی‌بردند.

۲. معاشرت با دوستان

ابان بن تغلب، از یاران امام صادق علیه السلام، می‌گوید: «با امام صادق علیه السلام مشغول طواف بودم که یکی از دوستانم مرا دید و خواست تا نزد او بروم، اما من اعتنایی نکردم. امام صادق علیه السلام متوجه این حالت من شد و فرمود: ای ابان، او تو را صدا می‌زند؟ عرض کردم: آری. فرمود: طواف را رها کن و نزد او برو. من هم این کار را کردم و....»^۱

ارتباط مؤثر با دیگران در قالب دوستی برمبنای نیاز شکل می‌گیرد. از این‌رو، توجه به رفع نیاز دوست در این ارتباط مهم است. براساس این مؤلفه مهم، انتخاب دوست اهمیت زیادی دارد، به‌ویژه این‌که ممکن است تمایلات خودخواهانه دیگران انسان را در مسیرهای ارتباطی یک‌طرفه قرار دهد. پس معیارهای انتخاب رفیق و دوست اهمیت زیادی خواهد داشت. در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌توان نکات ارزنده‌ای را در انتخاب دوست برداشت کرد. دوست و رفیقی را انتخاب کنید که این معیارها را داشته باشد:

۱. علامه مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷۱، ص ۲۴۸.

- رفاقت او از دل برخیزد (ظاهر و باطنش یکی باشد):
- خیرخواهی برای تو را خیرخواهی برای خودش بداند و عیب تو را عیب خودش:
- تغییرات معیشتی او را تغییر ندهد (پولدار شدن نقطهٔ خوبی برای راستی آزمایی این مؤلفه است):
- اگر می‌تواند کاری برای تو انجام دهد، از آن دریغ نورزد.
- در سختی‌ها و مشکلات تو را رها نکند.

|| ۳. معاشرت با همسایگان

در جامعهٔ سنتی حوزه‌های شهری و روستایی، حجم زیادی از ارتباطات انسان‌ها در مواجهه با همسایگان شکل می‌گرفت. در نگاه دینی نیز همسایه از اهمیت بسزایی برخوردار است، به‌گونه‌ای که در سیرهٔ اهل بیت، یکی از شاخص‌های اصلی در خرید خانه بررسی همسایگان است^۲ یا در تعبیری از پیامبر گرامی اسلام نقل شده‌است که «هرکس شب را با شکم سیر بخوابد، درحالی که همسایهٔ مسلمانش گرسنه سر به بالش بگذارد، به من ایمان نیاورده است». همچنین فرموده‌است: «جبئیل پیوستهٔ مرا دربارهٔ همسایگان توصیه می‌کرد، به‌طوری که گمان بدم برای آن‌ها ارت مقرر خواهد کرد.»^۳

با رشد فناوری و تغییرات در سبک زندگی انسان، مفهومی مدرن از شهرنشینی شکل گرفت. شهرنشینی فرایندی است که طی آن، تغییراتی در سازمان اجتماعی - سکونتگاهی انسانی به وجود می‌آید که حاصل افزایش تمرکز و تراکم جمعیت است. از نظر سازمانی، شهرنشینی دگرگونی‌هایی در ساخت اجتماعی - اقتصادی و نظام آموزشی و هنجاری ایجاد می‌کند.^۴ تغییر محیط زندگی و رشد بی‌وقفهٔ زندگی شهری قطعاً لوازم و بایدهایی را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، محیط زندگی انسان در شهرهای مدرن و به‌ویژه در شرایط آپارتمان‌نشینی دگرگون می‌شود و تغییراتی را نیز به دنبال دارد. برخی از این تغییرات عبارت‌اند از:

۱. از دست رفتن هویت محله‌ای و اشتراکات و خاطرات زیست در محله بین افراد;

۱. محمدی ری‌شهری، *میزان الحکمه*، ج ۵، ص ۲۱۰.

۲. فضل بن حسن طبرسی، *مکارم الأخلاق*، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۸۳۴.

۳. علامه مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۷۴، ص ۱۵۱.

۴. ناصر مشهدی‌زاده، *تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران*، ص ۲۲.